



## چگونه بد تدریس کنیم؟

پدیدآورده (ها) : موگهی (شمیم)، عبدالرحیم  
میان رشته ای :: پیام :: بهار 1389 - شماره 99  
از 144 تا 151

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/929660>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی  
تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

چگونه



تدریس کنیم؟

عبدالرحیم هوگهی

گاه ادب را باید از بالادبان آموخت و گاه از بی‌ادبان. از بالادبان باید آموخت که چه باید کرد و از بی‌ادبان باید آموخت که چه نباید کرد. یادگیری شیوه صحیح تدریس نیز از همین قرار است. گاه باید با مطالعه و تمرین روش‌های درست، مهارت توفیق تدریس یافت و گاه باید با نگاه در آینه شیوه‌های نادرست، از گرفتار شدن در دام آنها پرهیز جست. این نوشتار در قالب ۲۰ نکته خواندنی، آینه‌ای تمام قد، از شیوه‌های نادرست تدریس روبروی ما آویخته است.

برای این که بد تدریس کنیم و مُدّرسی ناموفق باشیم به گونه‌ای که از ما برای تدریس کمتر دعوت کنند و یا اصلاً دعوت نکنند، باید به ۲۰ نکته زیرین خوب توجه و عمل نماییم. پس مُدّرس بد باش تا کامروا شوی.

۱. به آراستگی ظاهر و چهره خویش توجه نکنید و آن را نادیده بگیرید؛ زیرا در تدریس، فقط خوب درس دادن مهم است، نه آراستگی ظاهر مُدّرس. پس با موهای نامرتب و شانه نکرده، کفش‌های واکس نزده، لباس‌های اتونکرده و وصله خورده، دهان مسواک نزده، بدن و جامه نامطبوع و ناانظیف به تدریس بپردازید و به سخنانی همچون «خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد»، اهمیت ندهید.

۲. به رعایت نظم و انضباط در کلاس‌داری توجه نکنید و وقت شاگردان را تلف نمایید. هرگاه خواستید، به کلاس دیر بروید و کلاس را دیرتر از موعد مقرر به پایان برسانید و حتی وقت زنگ تفریح و استراحت شاگردان را بگیرید. اصلاً به دیگران چه کار که بخواهند در امور فنی و حرفه‌ای شما دخالت کنند؟

۳. مخاطب‌شناسی در هنر تدریس اهمیت ندارد. پس طبق نیازهای شاگردان خود تدریس نکنید و هرچه را قبلاً مطالعه و فیش‌برداری کرده‌اید، همان‌ها را برای شاگردان خویش بیان کنید. به طور مثال، اگر آنان به تحلیل کردن مطالب نیاز دارند، شما به وصف کردن مطالب بپردازید. اصولاً در فن کلاس‌داری، قائل به ربط نباشید.

۴. برای تدریس‌هایتان مطالعه نکنید، مخصوصاً اگر در فن کلاس‌داری دارای سابقه و تجربه بسیاری هستید؛ زیرا مطالعه پیش از تدریس، برای آموزگاران مبتدی است نه برای

## مقدمه

شما که راه‌ها و روش‌های نو و پیشرفته در گردآوری مطالب و ارائه هرچه جذاب‌تر محتوای سخن را به شاگردان خود کاملاً می‌دانید و از سخنان و مطالب جدید و به روز اطلاع دارید.

فقط خوب بودن پیام مهم نیست؛ بلکه خوب رساندن پیام نیز مهم است.

۵. فقط به فکر این باشید که مطالب خوب و مفیدی را جمع‌آوری کنید و در اختیار شاگردان خود بگذارید. دیگر به فکر این نباشید که همین مطالب خوب و مفید را چگونه و با چه روشی بیان کنید که برای شاگردانتان جذاب‌تر و بر آنان تأثیرگذارتر باشد. سخن در پی آمده را هرگز سرلوحه این‌گونه فعالیت‌های خویش قرار ندهید: «فقط خوب بودن پیام مهم نیست؛ بلکه خوب رساندن پیام نیز مهم است».

۶. در تدریس، فقط به مطالب و چیزهایی که با «باید» بگویید فکر کنید و به مطالب و چیزهایی که «نباید» بگویید فکر نکنید، حتی اگر شبهه‌انگیز یا ضد عقل و یا رمانده از دین و مکتب باشند. پس کلاً این جمله را در امر تدریس فراموش نمایید: «مُدْرَس مَوْفِق فقط کسی نیست که می‌داند چه چیزهایی را باید بگوید، بلکه کسی است که می‌داند چه چیزهایی را هم نباید بگوید».

۷. در تدریس، از هر دری سخنی بگویید و از این شاخه به آن شاخه بپرید و بعد هم به شاگردانتان بگویید که **الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامِ** و حرف، حرف می‌آورد. اساساً به تنظیم و دسته‌بندی مطالب و مدیریت اطلاعات و در اختیار گرفتن معلومات خویش اهمیت ندهید. کار نداشته باشید که از نظر روان‌شناسی و از جهت آموزشی، مطالبی که تنظیم و دسته‌بندی شده‌اند، زودتر و آسان‌تر آموخته می‌شوند و در ذهن و حافظه شاگرد جای می‌گیرند.



۸. هر چه آیه و حدیث و شعر و مانند آن مطالعه و حفظ کرده‌اید، همان‌ها را پشت سر هم و حتی بدون هرگونه دسته‌بندی و ترتیبی برای شاگردانتان بخوانید و هیچ‌گونه نکته و تحلیلی درباره آن‌ها بیان نکنید. مهم فقط نقل و روایت و گزارش است، نه عقل و درایت و پژوهش.

۹. درس خود را با کلمات و جملاتی زیبا بیان نکنید؛ زیرا هر چه پیش آید، خوش آید، تازه، مگر چند نفر از شاگردانتان دقت می‌کنند کلمات و جملاتی که شما به کار می‌برید، زیباست و حتی از سخنان بسیاری مُدرّسان دیگر نیز زیباتر است و تأثیری غیر مستقیم و لطیف بر آنان می‌گذارد؟ مثلاً به جای این که جمله‌ای زیبا و بدین صورت بگویید: «نباید با دنیا بسازیم؛ بلکه باید دنیا را بسازیم»، بگویید: «ما باید به مردم دنیا آموزش دهیم و آنان را تربیت کنیم و نباید تسلیم وضع موجود در دنیا شویم».

۱۰. در تدریس‌های خویش تنوع نداشته باشید و به صورت یکنواخت و طوماری و اتوبانی تدریس کنید، حتی اگر خستگی و خمیازه کشیدن و پلک روی هم گذاشتن را در شاگردانتان مشاهده کردید. چه کسی گفته است که مُدرّس، برای ایجاد تنوع در تدریس‌های خود، باید گاه از شعر یا داستان یا امثال و حکم یا سخنان بزرگان دین و دانش یا خاطره و تجربه‌های خود و دیگران یا نکته‌های نغز و پرمغز یا آمار و اخبار یا اطلاعات عمومی یا مطالب علمی و یا لطیفه‌های پندآموز استفاده کند؟

۱۱. نوآوری در هنر تدریس را کنار بگذارید و به

همان حرف‌ها و مطالب تکراری و باسِمه‌های بسنده

کنید، حتی اگر متاع سخن و بازار تدریس، کساد و

کلیم کاشانی در این باره نیز سروده باشد: «گر متاع

سخن امروز کساد است کلیم / تازه کن طرز که در



نباید با دنیا بسازیم؛ بلکه باید دنیا را بسازیم.

چشم خریدار آید». مثلاً در جایی که می‌خواهید بگویید انسان‌ها برای نشان دادن توانایی‌ها

و ویژگی‌های خویش نباید از خودشان تعریف کنند؛ بلکه باید خود توانایی‌ها و ویژگی‌هایشان

مُعرف آن‌ها باشد، دوباره و چندباره به این سخن سعدی استشهد کنید: «مُشک آن است که

خود بیبوی؛ نه آن که عطار بگوید» و از آن دست برندارید و مثلاً به سخن دیگر سعدی در

همین زمینه که کم‌تر به آن استشهد می‌شود، اشاره نمایید: «اگر هست مرد از هنر بهره‌ور /

هنر، خود بگوید نه صاحب‌هنر» و یا از سخن سعدی گونه‌زنده‌یاد سلمان هراتی نیز یادی نکنید

که در مقدمه این نوشته ذکر شد: «بهار آن است که خود بیبوی؛ نه آن که تقویم بگوید».

۱۲. در کلاس‌های خویش، فقط کلی‌گویی کنید و از پرداختن به جزئیات و مثال‌ها

و مصداق‌های عینی و کاربردی آن در جامعه خودداری ورزید؛ زیرا ذکر مثال و مصداق و

جزئیات، درس شما را نزد استادان و مُدرّسان بزرگ، غیر علمی و کم‌ارزش نشان می‌دهد.

به طور مثال، در درس اخلاق بگویید که دروغ، کاری ناپسند و حتی از نظر دینی حرام

است، ولی به مصداق‌ها و نمونه‌های آن در اجتماع، مانند خالی‌بندی اشاره نکنید و درباره

این‌که مصداق مذکور چه حکمی دارد، سخنی نگویید.

۱۳. هر سخنی و به ویژه سخنان مشهور را از هر کسی و به ویژه آدم‌های مشهور که

شنیدید، بدون این‌که به منابع معتبر و دست اول مراجعه و درباره‌ی درستی یا نادرستی آن‌ها

## مقدمه

تحقیق کنید، برای دیگران و شاگردان خویش نقل

نمایید و به جمله «رُبَّ مَشْهُورٍ لَا أَسْلَ لَهُ؛ بس

سخنان مشهوری که اصل و پایه‌ای ندارند»، گوش

نکنید. مثلاً به شاگردان خود بگویید که حضرت امام

خمينی قدس سره فرموده‌اند: «انقلاب ما انفجار نور

بود» و دیگر درباره انتساب این سخن به ایشان مطالعه و تحقیق نکنید که سخن مذکور از

ایشان نیست و از یاسر عرفات و با عبارتی دیگر است. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۸۱)

۱۴. اگر سؤال و شبهه‌ای را در زمینه معارف دینی مطرح کردید، پاسخ آن را ندهید

و به بعد موکول کنید و به آثار سوء و منفی این کار توجه نداشته باشید که حتی ممکن

است بی‌پاسخ گذاشتن آن سؤال و شبهه، کسی یا کسانی را از دین بیرون کند و به

بیراهه و کژراهه بکشاند و مسؤولیت شرعی آن نیز به عهده شما باشد. پس به این

سخن اصلاً توجه نکنید: «فقط طرح شبهه مهم نیست؛ بلکه رفع شبهه نیز مهم و حتی

از آن مهم‌تر است.»

۱۵. در تدریس برای اثبات سخنان و مطالب خویش و حتی حقانیت دین اسلام،

به خواب‌هایی که خودتان دیده‌اید و یا دیگران دیده‌اند، استناد کنید. اساساً کار نداشته

باشید که آیا خواب‌های ما برای دیگران حُجَّت دارد یا نه؟ اسلام دین خواب است یا

دین بیداری؟ پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام برای اثبات سخنان و عقاید خویش و

حقانیت دین اسلام به خواب‌های خود و دیگران استناد می‌کردند یا نه؟ و در تاریخ اسلام،

تاکنون چند مورد از استناد به خواب را در سیره پیشوایان و بزرگان دین دیده‌ایم؟

۱۶. دربارهٔ چگونگی شروع درس، هیچ نیندیشید و هیچ مشورتی با دیگران نکنید. چه کسی گفته است که شروع درس از ادامه و پایان آن مهم‌تر است و باعث می‌شود که شاگرد را بر جایش می‌خکوب کند و به ادامهٔ گوش دادن به درس شما تشویق نماید؟

۱۷. از کلمات قلبیه و سلبیه و حرف‌های پرستیژدار استفاده کنید، حتی اگر شاگردانتان معنای آن کلمات و مفهوم آن حرف‌ها را متوجه نشوند. مگر نگفته‌اند: «شاگردان، استادی را با سواد و با کلاس می‌دانند که حداقل، یک سوم حرف‌های او را نفهمند؟» مثلاً به آنان نگویید: «تدوین مطالب درسی این جانب با استفاده از کتاب‌ها و منابع معتبری شکل گرفته است که به آن‌ها اشاره خواهم کرد»؛ بلکه این‌گونه بگویید: «در پروسهٔ تدوین مطالب درسی‌ام، رفرنس‌های معتبری را از رؤیت خویش گذرانده‌ام که به آن‌ها اشارت خواهم نمود».

۱۸. به تلفظ درست کلمات و به ویژه نام‌های خاص دقت نکنید؛ زیرا این‌گونه امور از مسائل بسیار جزئی و سطحی است که کسی به آن‌ها توجه نمی‌کند و اهمیت نمی‌دهد. در فن کلاسداری فقط باید به مسائل کلی و کلان توجه کرد و اهمیت داد. حالا اگر مُدرسی به جای این که کلمات ذیل را درست تلفظ کند و بگوید: «گمان، نکات، حاتم طائی، نیکلسون، کارنگی، شهاب‌الآخبار، مُنتَهی‌الآمال»، به غلط بگوید: «گمان، نکات، حاتم طائی، نیکلسون، کارنگی، شهاب‌الآخبار، مُنتَهی‌الآمال»، مهم نیست و کسی به این غلط‌کاری‌های جزئی گیر نمی‌دهد.

۱۹. اگر مطلبی را به صورت اشتباه بیان کردید، به اشتباه خود اقرار و اعتراف نکنید و درصدد اصلاح آن برنمایید؛ زیرا نتیجهٔ اقرار و اعتراف به اشتباهات خویش، همان سبک



کردن و تحقیر نمودن و بی‌سواد نشان دادن خود و از دست دادن اعتماد شاگردان به خویش است. به طور مثال، چنان چه گفتید که مولوی در مثنوی سروده است: «شکر نعمت، نعمت افزون کند / کفر، نعمت از کفّت بیرون کند» و بعداً متوجه شدید که در نسخه‌های معتبر مثنوی، مانند نسخه قونیه و نیکلسون چنین آمده است: «شکر قدرت، قدرت افزون کند / جبر، نعمت از کفّت بیرون کند» و شما نیز فقط نسخه‌های معتبر را قبول دارید، چه ضرورتی دارد که به این اشتباه خود اعتراف کنید و آبروی علمی خویش را نزد شاگردانتان ببرید؟

۲۰. در پایان درس خویش به جمع‌بندی سخنان و مطالب خود و نتیجه‌گیری از آن‌ها نپردازید؛ زیرا چه کسی گفته است نتیجه سخن و آخرین مطلب درسی، پایدارترین و ماندگارترین مطلبی است که در ذهن و حافظه شاگردان جای می‌گیرد؟

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی